120 ـ حکم نماز جماعت در مسجد

سوال

حکم خواندن نماز جماعت در مسجد و دلیل آن چیست؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

بر اساس صحیح‌ترین قولِ علما، خواندن نماز جماعت در مسجد برای مردانی که توانایی دارند واجب است. دلایل این قول بسیار است از جمله:

دلیل اول و دوم و سوم:

الله متعال می‌فرماید: وَإِذَا كُنتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلاَةَ فَلْتَقُمْ طَآئِفَةٌ مِّنْهُم مَّعَكَ وَلْيَأْخُذُواْ أَسْلِحَتَهُمْ [نساء/ ۱۰۲] (و هر گاه در میان ایشان بودی و برایشان نماز برپا داشتی پس باید گروهی از آنان با تو [به نماز] بایستند و باید اسلحه‌ی خود را برداند...)

وجه استدلال:

اول اینکه خداوند سبحانه و تعالی آنان را به نمازِ جماعت امر نموده، سپس این امر را بار دیگر در حق گروه دوم تکرار کرده و فرموده است: وَلْتَأْتِ طَآئِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّواْ فَلْيُصَلُّواْ مَعَكَ (و گروه دیگری که نماز نکرده‌اند باید بیایند و با تو نماز گزارند). این دلیل فرض بودن جماعت بر تک تک افراد است زیرا الله متعال با سبب انجام گرفتن آن توسط گروه اول، انجام آن را از گروه دوم ساقط نکرده، و اگر جماعت مستحب بود بهترین عذر برای سقوط آن، عذر ترسِ جان [در میان جنگ] بود، و اگر فرض کفایه بود با انجام آن توسط گروه اول از گروه دوم ساقط می‌شد.

این آیه از سه وجه دال بر فرض عین بودن نماز جماعت است:

ـ امر به نماز جماعت برای بار اول.

ـ امر به نماز جماعت برای بار دوم.

ـ عدم رخصت ترک آن به سبب ترس.

دلیل چهارم:

۱ـ حدیثی که در صحیحین از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که رسول الله ﷺ فرمود: قسم به آنکه جانم به دست اوست، قصد کرده‌ام هیزم جمع کنند، سپس دستور دهم برای نماز اذان دهند، آنگاه دستور دهم مردی برای مردم امامت کند، سپس به سوی مردانی بروم [که در نماز حاضر نشده‌اند] و خانه‌هایشان را بر آنان به آتش بکشم. قسم به آنکه جانم به دست اوست، اگرمی‌دانستند که استخوانی چرب یا دو تکه گوشت خوب به آن‌ها می‌رسد، حتما در نماز عشاء حاضر می‌شدند.

۲ـ از ابوهریره رضی الله عنه از رسول الله ﷺ روایت است که فرمودند: سنگین‌ترین نماز برای منافقان نماز عشاء و صبح است، و اگر می‌دانستند در این دو [نماز] چه [اجر و ارزشی] هست، اگرچه سینه‌خیز، در آن حاضر می‌شدند. و قصد کرده‌ام که دستور دهم نماز را برپا کنند، سپس مردی را به امامت مردم امر کنم، آنگاه همراه با مردانی که دسته‌های هیزم با خود دارند به سوی گروهی بروم که در نماز حاضر نمی‌شوند و خانه‌هایشان را برای آنان آتش بزنم متفق علیه.

۳ـ و نزد امام احمد از ابوهریره روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: اگر زنان و کودکانی در خانه‌ها نبودند، نماز عشاء را برگزار می‌کردم و به جوانان خود دستور می‌دادم که آنچه در آن خانه‌ها است را به آتش بکشند.

۴- پیامبر ﷺ این قصد خود را به سبب مانعی که بیان نمود یعنی بودن زنان و کودکانی که نماز جماعت بر آنان واجب نیست، انجام نداد، زیرا اگر خانه‌های آنان را آتش می‌داد، مجازاتش به کسانی که جماعت برایشان واجب نیست نیز می‌رسید.

دلیل پنجم:

مسلم در صحیح خود روایت کرده که مردی نابینا به رسول الله ﷺ گفت: ای پیامبر خدا، من کسی را ندارم که مرا به مسجد بیاورد، و از پیامبر ﷺ خواست که به او اجازه دهد [تا در جماعت حضور نیابد]؛ پیامبر ﷺ نیز به او این اجازه را داد؛ اما همین که پشت کرد تا برود، او را صدا زد و گفت: آیا اذان را می‌شنوی؟ گفت: آری. فرمود: پس اجابت کن. این مرد ابن ام مکتوم بود. و در مسند امام احمد و سنن ابی‌داود از عمرو بن ام مکتوم روایت کرده که ام مکتوم گفت: ای پیامبر خدا، من نابینایی هستم که خانه‌ام دور است و کسی که مرا راهنمایی می‌کند، به نیکی یاری‌ام نمی‌کند؛ آیا برای من رخصتی می‌بینی که در خانه نماز بخوانم؟ فرمود: اذان را می‌شنوی؟ گفت: آری. فرمود: برایت رخصتی نمی‌بینم.

امر اگر به طور مطلق بیاید نشانه‌ی وجوب است [مگر آنکه دلیل دیگری وجوب آن را بردارد]، چه رسد به آنکه صاحب شرع به صراحت بگوید نابینایی که خانه‌اش دور است و راهنمای خوبی هم ندارد، اجازه ندارد در خانه نمازش را بخواند. اگر مردم اجازه داشتند در خانه نماز بخوانند قطعا این نابینا مستحق‌تر بود.

دلیل ششم:

ابوداود و ابوحاتم و همینطور ابن حبان در صحیحش از ابن عباس روایت کرده‌اند که رسول الله فرمود: کسی که اذان را بشنود و بدون عذر آن را اجابت نکند، نمازی که خوانده است از وی قبول نخواهد شد گفتند: عذرش چیست؟ فرمود: ترس یا بیماری.

دلیل هفتم:

روایت مسلم در صحیحش از عبدالله بن مسعود که گفت: کسی که دوست دارد فردا در حال مسلمانی با الله دیدار کند، پس بر این نمازها در جایی که برایش اذان داده می‌شود (مساجد) پایبندی کند؛ زیرا خداوند برای پیامبرتان سنت‌های هدایت را قرار داد، و این [نمازها] از سنت‌های هدایت است و اگر شما نیز مانند این متخلف در خانه‌هایتان نماز می‌خواندید سنت پیامبرتان را ترک کرده بودید، و اگر سنت پیامبرتان را ترک گویید بی‌شک گمراه خواهید شد، و مردی نیست که به نیکی وضو گیرد و سپس به یکی از این مساجد برود مگر آنکه خداوند برای هر گامی که بردارد یک نیکی برای او می‌نویسد و یک درجه بر درجاتش می‌افزاید و یک گناه از او کم می‌کند. به یاد دارم که هیچکس جز منافق معلوم الحال از این نمازها تخلف نمی‌کرد و [گاه] مرد [بیماری] را می‌آوردند که دو مرد او را گرفته بودند تا آنکه او را در صف می‌نشاندند» و در لفظ دیگر آمده که ابن مسعود گفت: پیامبر سنت‌های هدایت را به ما آموخت، و یکی از سنت‌های هدایت، خواندن نماز در مسجدی است که در آن اذان می‌گویند.

وجه دلالت در این روایت این است که وی تخلف از نماز جماعت را از از نشانه‌های منافقان معلوم النفاق ذکر کرده است.

از الله متعال خواهانیم که ما را بر ذکر و شکر و عبادت نیکویش یاری دهد، والله اعلم.